

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل
۳۰ سپتمبر ۲۰۲۲

سخنرانی آتشین "عباس ستانکزی": از کلوخ آتش پرید! - (۳)

پنجشنبه - ۰۷ میزان ۱۴۰۱ - کابل:

۶- سومین نکته ای که "شیرکی" در سخنرانی خود از آن با احتیاط یادآوری نمود، موافقتنامه دوحه و تخطی امپریالیسم امریکا از آن بود. "شیرکی" در این بخش صحبت خود خلاف دو بخش قبلی که یک سیاستمدار با صراحت لهجه را به نمایش می گذاشت، از قالب یک سیاستمدار بیرون شده، به مثابه یگ دیپلمات محتاط، علی رغم تجاوزات جنایتکارانه ای که امپریالیسم امریکا بعد از خروج سربازانش از افغانستان انجام داده و اصولاً می بایست بشدت مورد انتقاد قرار می گرفت، تخلف از موافقتنامه دوحه را به رخ کشیده، با دفاع از نظام ملاسالار و ایستادگی آنها در اجرای تعهدات دوحه، اتهامات وارد از جانب امپریالیسم امریکا را رد نمود.

"شیرکی" با پیش کشیدن موافقتنامه دوحه، در واقع دو هدف را دنبال می نمود:

* هدف نخستین یادآوری از نقش خودش در تدوین و سرانجام امضای آن موافقتنامه بود. "شیرکی" با این یادآوری تلویحاً به تفنگداران طالب اعم از هر دو جناح "درانی" و "گلجائی" علناً گوشزد نمود که به همان اندازه که تفنگ آنها در وادار ساختن امریکا جهت نشستن پای میز مذاکره نقش داشته، ورزیدگی و خبرگی تیم مذاکره کننده که می شود گفت شخص خودش طراح و کردارنده اصلی آن بود، در انتقال "صلح آمیز توطئه گرانه" قدرت از حاکمیت پوشالی "غنی احمدزی" به "نظام ملاسالار" مؤثریت داشته است.

* دو مین هدف وی از ذکر موافقتنامه دوحه، فریبی است که امپریالیسم امریکا در متن موافقتنامه خورده است. چه به ارتباط نیروهای تروریستی بین المللی با تمام طول و عرض آن، طالب در آنجا متعهد نشده که با آنها در آینده تماس نخواهد گرفت و یا مانع آمدن شان در افغانستان خواهد شد، بلکه با صراحت تعهد نموده اند که در آینده به هیچ نیروئی اجازه نخواهند داد تا از خاک افغانستان منافع امریکا، متحدان و سایر کشور ها را تهدید و یا به مخاطره بیندازند.

وقتی از چنین منظری به قضیه نگریسته شود، هیچ محکمه ای طالب را به خاطر میزبانی تروریست ها محکوم کرده نمی تواند زیرا آنها به آنچه تعهد نموده اند عمل کرده اند و واقعاً در طی این مدت نگذاشته اند تا از خاک افغانستان کدام کشور دور و یا نزدیک مورد تهاجم قرار گیرد.

تنها چیزی را که در این مناسبت "شیرکی" نمی داند و یا نمی خواهد بداند، این است که موافقتنامه ها و تعهدات برای امپریالیسم امریکا و بقیه کشور های امپریالیستی در کل برای زورمندان تا زمانی قابل اعتبار است که با منافع آنها در

تطابق کامل قرار داشته باشند. زمانی که یک موافقتنامه و یا تعهد نتواند حامی و حافظ منافع استعماری آنها باشد، آن تعهدنامه کاغذ پاره ای بیشتر ارزش ندارد امری که همه روزه در دنیای پر از کشاکش کنونی، شاهد آن می باشیم.

۷- چهارمین نکته ای که "شیرکی" بازم از موضع یک سیاستمدار نه دپلومات بدان پرداخت، برخورد با کلیت بقایای بیروکراسی حاکمیت پوشالی ساقط شده اعم از جهادی ها و جواسیس تکنوکرات بود.

"شیرکی" در آن قسمت صحبت خود بدرستی بر ضعف ها، کمبود ها، فساد ها، جنایت ها و خیانت های آنها انگشت انتقاد گذاشت و باز هم بدرستی و با صراحت اعلام داشت که از دید مردم افغانستان تاریخ آنها سپری شده نه تنها کمترین جایگاه و محبوبیتی بین مردم افغانستان ندارند بلکه در محراق نفرت و انزجار مردم نیز قرار دارند.

آنچه را "شیرکی" در این قسمت بحث خود نخواست بگوید، این است که تفاوت خودشان با آنها در چیست و موضع مردم در قبال نظام ملاسالار چیست؟ یعنی اگر قرار باشد که مردم از بقایای حاکمیت پوشالی ساقط شده به علت خیانت ها و جنایات شان متنفر باشند و آنها را در محراق نفرت شان قرار داده باشند، مگر طالب و نظام ملاسالار، خود بدتر و بیشتر از آنها آدم نکشته، جنایت نکرده و وطن را فروخته اند؟

"شیرکی" نمی خواهد بفهمد که مردم ما از بقایای حاکمیت پوشالی ساقط شده بدان خاطر متنفر نیستند و آنها را در محراق نفرت شان قرار نداده اند که گویا قد و اندام شان و یا طول ریش و قطر شکم شان کم و یا زیاد است، بلکه به خاطری از آنها متنفر اند و آنها را دشمن خود و دشمن کشور می دانند که رشوت خوردند، حقوق و آزادیهای دموکراتیک مردم را به بازی گرفته زیر پای نمودند، زور گفتند، آدم کشتند، منافع کشور را زیر پای کردند، جاسوسی و نوکری بیگانگان را نمودند، دریک کلام به و بر وطن و هموطن خیانت و جنایت نمودند و این همان صفاتیست که هر کس با هر شکل و شمایل که ظاهر شود وقتی متصف با چنین صفتی باشد، در محراق نفرت مردم قرار می گیرد.

هموطنان گرامی!

شنیدن صحبت ها و عربده کشی های "شیرکی" بیشتر از آن که معرف تبارز تضاد های درونی طالب باشد، تلاشی است رذیلانه جهت حقه تئوری "فروپاشی و اضمحلال طالب از درون" در اذهان مردم. آنها می خواهند با این خیمه شب بازی ها و طالب را از درون در حالت فروپاشی نشان دادن، ضرورت، عزم و اراده من و تو را در راه نابود کردن طالب، به بیراهه انتظار و منتظر فروپاشی ماندن، سوق دهند. این را باید بدانیم که حاکمیت های ارتجاعی و ضد ملی و ضد انقلابی در کل به خصوص از نوع طالبی و نظام ملاسالار آن را فقط می توان با زور و اعمال قهر انقلابی از بیرون حاکمیت از بین برد هر نوع انتظار فروپاشی در اثر تضاد های درونی را کشیدن، سرانجام آب به آسیاب طالب و نظام ملاسالار خواهد برد.

بیانید از این منظر حرکت نمائیم که چنین سروصدهائی، چیزی بیشتر از پریدن آتش از کلوخ نیست. این را بدانیم که نظام ملاسالار در انبان خود هم "ملاحفی" را دارد که تصامیم "امیر غایب" را برتر و مقدمتر از سخنان "محمد" و قرآن می داند و هم "شیرکی" را که بعضاً حرفهای عامه پسند برزبان می آورد. باید هوشیاری خود را حفظ کرد، نه تسلیم آن یکی شد و نه هم فریب این یکی را خورد. می باید استوار در راه دفاع از میهن و رفاه و تأمین حقوق و آزادیهای هم میهن ایستاد و به نبرد خود تا سرنگونی نظام ملاسالار و بدیل های مشابه آن شجاعانه ادامه داد.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!